



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۶۶

شنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۴، ۷ مارچ ۲۰۲۶

جمهوری اسلامی در منگنه دو جنگ

حمید تقوائی

صفحه ۳

نابودی خامنه ای، وضعیت حکومت و آینده ایران

کاظم نیک خواه

صفحه ۶

زنده باد روز جهانی زن:

صفحه ۷

اوضاع خطر سیاسی و برخی چه باید کردهای فوری

شهلا دانشفر صفحه ۸

در سنگر سرنگونی ایستاده ایم!

نسان نودینیان

صفحه ۱۰

دو رویکرد ضد جنگ، دو افق سیاسی

ناصر اصغری

صفحه ۱۱

اطلاعیه های جنگ،

۲

تروریست های اسلامی ینار محمد را در بغداد ترور کردند

صفحه ۱۳

رضا پهلوی از تهدید تا مجیزگویی کردها

اصغر کریمی

صفحه ۱۴

کمپین مالی

صفحه ۱۵

منشور زن زندگی آزادی برای دوره گذار و حکومت

آتی در ایران

با کشته شدن خامنه ای، جمهوری اسلامی در آستانه سقوط قرار گرفته است. در این شرایط نیروهای مختلف اپوزیسیون تلاشها و فعالیت وسیعی را در جهت ارائه آلترناتیو برای دوره گذار و حکومت آتی در ایران آغاز کرده اند. اکنون زمان آن فرا رسیده است تا جنبش عظیم زن زندگی آزادی نیز طرح و چشم انداز خود را از دوره گذار و حکومت آتی در ایران ارائه بدهد. جنبش زن زندگی آزادی، با همه تشکلهای و شبکه ها و چهره های فعال و منشورها و خواستها و اهداف اعلام شده اش، میتواند و باید در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، در دوره گذار و در سیستم حکومت آتی در ایران، نقش و مکانی محوری و تعیین کننده داشته باشد. زمینه های اجتماعی این امر کاملاً فراهم است.

چپ اجتماعی، یعنی موتور و نیروی فعال جنبش زن زندگی آزادی که خواهان آزادی و رفاه، رفع همه تبعیضات و نابرابری ها و یک جامعه سکولار و انسانی است، متشکل و متعین و در میدان است. این نیرو شامل صدها تشکل و شبکه و شورا و نهاد مبارزاتی، و هزاران فعال در جنبشهای عرصه ای و در جنبش زن زندگی آزادی است. فعالین کارگری، فعالین حقوق زن، معلمان و دانشجویان، بازنشستگان و کادر درمان، فعالین حقوق کودک، نویسندگان و هنرمندان و وکلای پیشرو و آزادیخواه، فعالین جنبش رنگین کمانی، و طیف وسیعی از زندانیان سیاسی و خانواده های دادخواه همواره و بویژه در دل جنبش زن زندگی آزادی نقش اساسی در سازماندهی اعتراضات و اعتصابات، در متشکل کردن بخش های مختلف جامعه، و مقابله با طرح ها و سیاستهای ارتجاعی رژیم در داخل و خارج کشور داشته است. این نیروی اجتماعی بطور عینی و واقعی در شکل دهی به نظام آینده نقش تعیین کننده ای خواهد داشت.

حزب کمونیست کارگری، بعنوان بخشی از این نیروی عظیم و یکی از نیروهای فعال در جنبش زن زندگی آزادی، اعلام میدارد پیروزی این جنبش و عملی شدن اهداف انسانی، برابری طلبانه و آزادیخواهانه آنان مستلزم تحقق ارکان زیر است:

الف- سرنگونی جمهوری اسلامی. خلع ید سیاسی از حکومت با همه مقامات و جناحها، و امحای کامل نظام جمهوری اسلامی با تمامی ساختار و ارگانها و قوانین اش.

ب- قدرت بدست مردم. نفی هر نوع قدرت مافوق مردم و سیستم حکومتی

ادامه در صفحه ۲

ادامه از صفحه ۱

تک حزبی و ایدئولوژیک.

دخالت مستقیم مردم در عزل و نصب مقامات و مسئولین و در سیاستگذاری و اجرای سیاستها. سازماندهی شوراهای مردم بعنوان ارگانهای اعمال اراده مردم در امر حاکمیت. ما خواهان جمهوریت مبتنی بر اصل دموکراسی مستقیم هستیم.

ج- آزادی. تعهد به آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و تحزب و تشکل و اعتراض و اعتصاب برای همگان حتی نیروهایی که خود به این آزادیها معتقد نباشند. برسمیت شناسی این آزادیها و حقوق دموکراتیک باید از همین امروز در پراتیک و تبلیغات نیروها و احزاب اپوزیسیون خود را نشان بدهد.

د- برابری. برابری کامل همه شهروندان و ساکنین ایران. رفع همه تبعیضات اعم از تبعیضات مذهبی، ملی و اتنیک، جنسی. و جنسیتی، اقتصادی و طبقاتی.

ه- رفاه. تامین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. سازماندهی اقتصاد جامعه بر مبنای رفع نیازهای همه ساکنین ایران.

به منظور تحقق ارکان پنجگانه فوق این اقدامات در دستور کار فوری دولت برآمده از انقلاب در دوران گذار قرار میگیرد:

۱- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت. انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه،

دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم. الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی.

۲- آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و عقیدتی. ممنوعیت جرم انگاری نقد و مخالفت سیاسی تحت عناوین "توهین به مقدسات"، "هنجار شکنی"، "نقض امنیت ملی"، "توطئه علیه نظام" و یا هر توجیه و بهانه دیگر.

۳- لغو فوری مجازات اعدام. ممنوعیت اعدام و هر نوع مجازاتی که با شان و کرامت انسانی متناقض باشد.

۴- دادخواهی. کلیه آمرین و عاملین جنایات حکومت باید علناً و بنا بر موازین عدالت انتقالی محاکمه شوند.

۵- حسابرسی غارت و چپاول نهادهای جمهوری اسلامی. کلیه اموال

غارت شده مردم توسط مقامات و نهادهای مذهبی و دولتی، از جمله سرمایه ها و اموال آنان در بانکهای خارج کشور، باید فوراً بازپس گرفته شود و به صاحبان آن برگردانده و یا صرف کارهای عام المنفعه و رفاهی جامعه گردد.

۶- سکولاریسم لائیک. لغو مذهب رسمی و جدایی کامل دین و مذهب از کل حکومت (دولت، قوانین، سیستم آموزشی، سیستم قضایی). ممنوعیت تبلیغ و عرضه مذهب و رسوم و مناسک و نمادهای مذهبی در فرهنگ حکومتی و مناسبات و روابط و فعالیتهای ادبی- هنری- ورزشی- اجتماعی که حکومت عامل و یا مدافع آنست.

۷- رایگان شدن فوری درمان و بهداشت و تحصیل و وسائل نقلیه عمومی شهری برای همگان.

۸- پایبندی به رفع ستم و تبعیض ملی. برسمیت شناسی حق تحصیل و فعالیت ادبی و هنری به زبان مادری برای تمام مردم ایران و تلاش برای رفع عقب ماندگی های اقتصادی مناطق تحت ستم ملی. ممنوعیت هر نوع اعمال فشار و تهاجم سیاسی و نظامی به این مناطق، به نیروهای سیاسی خواستار رفع تبعیض ملی و یا جدائی به بهانه تجزیه طلبی و تقدس تمامیت ارضی و نظایر آن. ما خواهان اتحاد دواطلبانه همه مردم ساکن ایران هستیم اما جدائی طلبی را جرم نمیدانیم.

۹- تنش زدائی در سطح منطقه و جهان. قطع فوری حمایتهای مالی و نظامی از نیروها و دولتهای اسلامی و تروریستی و تنش زدائی و



زن یعنی احترام به زندگی! یعنی برابری همگان و رفع هرگونه تبعیض!
زن یعنی لغو حجاب اجباری، ممنوعیت حجاب کودک! یعنی لغو همه قوانین ضد زن اسلامی!

زن یعنی پایان دادن به آپارتاید جنسیتی در ایران!
زن یعنی پایان دادن به هرگونه ستم و تحقیر و توهین مذهبی به زنان و به همه مردم! زندگی یعنی رفاه و شادی و معیشت و منزلت برای تک انسانها!

زندگی یعنی پایان دادن به استثمار و بردگی مزدی! یعنی پایان دادن به نابرابری اقتصادی!

زندگی یعنی رفاه و حرمت و شادی کودکان!

زندگی یعنی آب و هوای پاک و آفتاب درخشان برای همه!

زندگی یعنی لغو مجازات اعدام و سوزاندن همه چوبه های دار!

زندگی یعنی محاکمه همه آمران و عاملان کشتار مردم، قاتلان مهساها و نیکاهها در انقلاب جاری و در چهار دهه اخیر!

آزادی یعنی به گور سپردن حکومت و سلطه مذهبی و قطع دست مذهب و نهادهای مذهبی از زندگی مردم!

آزادی یعنی آزادی همه زندانیان سیاسی و باز کردن درب همه زندانها!

آزادی یعنی انحلال کلیه نیروها و نهادهای سرکوب و جاسوسی علیه مردم!

آزادی یعنی پایان دادن به همه مقدسات و تابوها و دگم و جبر مذهبی تحمیلی بر جامعه!

آزادی یعنی آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل و اجتماع و اعتراض!

آزادی یعنی حاکمیت مستقیم شهروندان و لغو هرگونه حکومت مافوق مردم!

زن، زندگی، آزادی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی جامعه انسانی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مهرماه ۱۴۰۱

برقراری روابط مسالمت آمیز با همه کشورها.

ارکان و اقدامات فوق در بهترین شکل با برپائی نظام جمهوری که از نظر شکل شورائی و از نظر مضمون سوسیالیستی باشد امکان پذیر است. حزب کمونیست کارگری برای برپائی چنین نظامی مبارزه میکند و در این راه خود را با همه احزاب و نیروهای اپوزیسیون، هرچا و به هر اندازه که برای مفاد این منشور مبارزه میکنند، همراه و همگام میداند.

ما همه تشکلهای و شبکه های مبارزاتی و احزاب و کنشگران فعال در جنبش زن زندگی آزادی را به همراهی و هماهنگی و کسب آمادگی برای ایفای نقش بعنوان یک نیروی اجتماعی تعیین کننده در روند سرنگونی حکومت، در دوره گذار، و در تعیین نظام آتی فرامیخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ اسفند ۱۴۰۴، ۴ مارس ۲۰۲۶

جمهوری اسلامی در منگنه دو جنگ



حمید تقوایی

شش روز پس از آغاز حمله آمریکا و اسرائیل و بمباران گسترده مقامات و مراکز نظامی رژیم شاهد تحرکات تازه ای در جنگ دیگر، جنگ مردم علیه جمهوری اسلامی هستیم. شعارهای شبانه مرگ بر خامنه ای در شب اول حمله و سپس شادی و رقص خیابانی مردم پس از مرگ او، و اکنون شعارهای شبانه علیه مجتبی خامنه ای، نشان میدهد که بمبارانها مردم را منفعل و مرعوب نکرده است، همانطور که قتل عام ۱۸ و ۱۹ دی نتوانست مردم را به خانه بفرستد. مردم از در میان دود و آتش جنگ و کشتار راه خود را ادامه میدهند.

آخرین خبر از جبهه جنگ مردم با حکومت تداوم سه شبانه های نه به اعدام در ۱۷ زندان سراسر کشور است. زندانیان اعتصابی در این زندانها در بیانیه ای اعلام کرده اند که "کارزار سه شبانه های نه به اعدام مرگ دیکتاتور ایران علی خامنه ای، عامل کشتار و اعدام دهها هزار نفر از مردم ایران را آغاز پایان نظام منحوس ولایت فقیه و دروازه ورود به دموکراسی می داند".

اکنون این "آغاز پایان نظام منحوس ولایت فقیه" در چشم انداز کل جامعه قرار گرفته است. مردم میدانند جنگ بالائی های به هر جا برسد، خلاصی از شر حکومت کار خود آنهاست. وقتی زندانیان اعتصابی میگویند "ما بر این باوریم که ایران بهرغم همه فراز و نشیبها سرانجام به سوی یک آینده درخشان در حرکت است و هیچ گاه به گذشته و نظامهای دیکتاتوری باز نخواهد گشت. آزادی ایران به دست مردم و با اتحاد و هم دلی خودشان و نه نیروی خارجی، محقق خواهد شد." از جانب همه مردم ایران سخن میگویند.

تداوم سه شبانه های نه به اعدام در زیر بمباران تحول و رخداد مهمی است که تحت الشعاع هیاهوی جنگ، کمتر کسی به آن میپردازد. آنچه توجه رسانه ها و افکار عمومی و تحلیلگران و صاحب نظران سیاسی و احزاب و سازمانهای اپوزیسیون را به خود جلب کرده است جنگ میان دولتهاست. اما کمی تعمق و تأمل در مورد زمینه ها و دلایل این جنگ نشان میدهد که در این جنگ نیز آنچه تعیین کننده است نقش و جایگاه خیزش مردم و تقابل آشتی ناپذیر مردم با جمهوری اسلامی است.

جنگ ادامه چه سیاستی است؟

حمله جاری آمریکا و اسرائیل مانند جنگ دوازده روزه، در ادامه سیاستهای رخ میدهد که در تحلیل نهائی از غریبستیزی جمهوری اسلامی نشأت گرفته است. اگر رژیم از پروژه هسته ای و حمایت از نیروهای تروریستی در منطقه و برنامه موشکی اش کوتاه می آمد نه جنگ ۱۲ روزه رخ میداد و نه جنگ جاری، و نه اساسا تنش و کشمکش و فضای جنگی که بر سر مردم ایران و منطقه سنگینی میکند ادامه می یافت. تا زمانی که رژیم از مرگ بر آمریکا و نابودی اسرائیل، و از پروژه های هسته ای و موشکی و حمایت از نیروهای تروریستی نیابتی برای تحقق این اهداف، دست نداشته است تنش و فضای جنگی و حملات نظامی نیز

گریز ناپذیر است. درک این واقعیت به تعمق چندانی نیاز ندارد که در صورت دست کشیدن جمهوری اسلامی از سیاستهای غریبستیزانه اش نه جنگی رخ میداد و نه اساسا تنش و کشمکش و فضای جنگی بر سر مردم ایران و منطقه سنگینی میکرد. همه میدانند که اگر جمهوری اسلامی به شرایط آمریکا و اسرائیل و کلا دولتهای غربی و خواستهای اروپا و آژانس اتمی تن میداد تخاصم و تنش و تهدیدات نظامی و حملات جنگی نیز ضرورت خود را از دست میداد. هدف اعلام شده آمریکا و اسرائیل نیز متوقف کردن این غریبستیزی اسلامی است.

معمولا نیروهای "ضدامپریالیست"، چپ محور مقاومتی وطنی و جهانی و یا ناسیونالیستهای نگران ویرانی وطن، اهداف و اجندای پنهانی آمریکا نظیر سلطه بر منطقه خاورمیانه و هموار کردن راه برای پیمان ابراهیم و رقابت منطقه ای با بلوک روسیه-چین و نظایر آنرا علت واقعی جنگ و حملات نظامی به جمهوری اسلامی میدانند. جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی اش نیز دقیقا همین موضع را دارند. امپریالیسم آمریکا نیروی سلطه گری است اما نظریه "جنگ علیه جمهوری اسلامی بخاطر سلطه گری امپریالیستی" ربط چندانی به واقعیات شرایط امروز ندارد. معمولا این نوع تحلیلها بر نمونه هایی نظیر لشکرکشی آمریکا و متحدینش به عراق در زمان بوش پدر و پسر، حمله به افغانستان، و دخالت غرب در تحولات موسم به بهار عربی، مبتنی است. اما نه شرایط جهانی و منطقه ای نظیر شرایط بعد از فروپاشی دیوار برلین و دوره هژمونی طلبی میلیتاریستی آمریکا است و نه، مهمتر اینکه، شرایط سیاسی ایران امروز، فضای مبارزاتی و جنبش انقلابی در ایران، قابل مقایسه با شرایط آن کشورها است.

اهداف تهاجم نظامی آمریکا همانست که علنا اعلام کرده است: پذیرش و یا در واقع تسلیم جمهوری اسلامی به شرایط آمریکا و اسرائیل یعنی دست شستن از غنی سازی و پروژه هسته ای و موشکهای بالستیک و حمایت از نیروهای تروریستی در منطقه. اینکه در میان مدت و دراز مدت تحقق این اهداف چه آرایش و توازن قوای تازه ای به نیروهای سیاسی در منطقه (روسیه و چین و ترکیه و امارات و آمریکا و اسرائیل) خواهد داد از حالا قابل پیش بینی نیست. تسلیم و شکست جمهوری اسلامی بی شک موقعیت آمریکا و اسرائیل و کلا بلوک غرب در منطقه را در برابر کمپ روسیه-چین تقویت خواهد کرد اما این لزوما به معنی دست بالا پیدا کردن آمریکا و تحقق اهداف استراتژیک اش نیست.

آمریکا و کلا هیچ قدرت و دولتی در دنیا، معمار و ارباب تاریخ نیستند. نمونه های بیشماری وجود دارد که سیاستها و اقدامات تاکتیکی آمریکا به اهداف استراتژیک اش منجر نشده است. ایجاد مجاهدین افغانستان در برابر سلطه آن زمان شوروی و حمایت از خمینی در انقلاب ۵۷ دو نمونه موفقیت تاکتیکی و ناکامی استراتژیک آمریکا هستند. در تهاجم به جمهوری اسلامی نیز، حتی اگر اهدافی ورای آنچه گفته شده مد نظر آمریکا و اسرائیل باشد، لزوما این اهداف متحقق نخواهد شد. سیاست و اراده و اقدام نیروهای انقلابی و قدرت مردم میتواند هر معادله و تناسب قوای را به هم بزند. بر خلاف آنچه به نظر میرسد این مردم هستند که به تحولات سیاسی شکل میدهند و نه دولتها. این امر بویژه در مورد شرایط ویژه ایران امروز بیش از هر زمان و مکان دیگری صدق میکند.

نکته مهمتر اینکه برخلاف نمونه های قبلی که ذکر شد این بار اهداف تاکتیکی آمریکا مبنی بر توقف پروژه هسته ای و دست شستن رژیم از موشکهای بالستیک و قطع حمایت از نیروهای تروریستی اسلامی نه تنها با منافع مردم ایران تناقضی ندارد بلکه بخشی از خواست مردم هم هست.

مردم را از سر بگیرد به این امید که بتواند خون ده ها هزار نفر را از مردم ایران را وجه المصلحه رام کردن قاتلین آنها بکند. این معامله صورت نگرفت و جنگ آغاز شد با این هدف که آنچه در سر میز مذاکره متحقق نشد با حمله نظامی به رژیم تحمیل شود.

اما مردم ایران هدف و امر دیگری دارند. امرشان بزرگ کشیدن و در هم کوبیدن کل حکومت و نظام جمهوری اسلامی است. و دقیقا همین امر است که در تحلیل نهائی به مناسبات بین بالائی ها و دیپلماسی و مذاکره و صلح و جنگشان شکل میدهد.

ائتلاف نیروهای کرد

اخیرا دولت آمریکا به معماری و تقویت مالی و تسلیحاتی ائتلافی متشکل از ۶ سازمان مسلح در کردستان پرداخته است. ممکن است گفته شود این اقدام خود نشانه جدی بودن آمریکا در تغییر رژیم است. به نظر من چنین نیست. آمریکا از این طریق نیروی زمینی برای اعمال فشار به حکومت و به تسلیم کشاندن آترا فراهم میکند و نه هیچ هدفی فراتر از آن. بعبارت دیگر تجهیز و حمایت از نیروهای کرد برای آمریکا امری تاکتیکی است و نه استراتژیک. نه آمریکا و نه اسرائیل و نه کلا دول غربی بدنابل بقدرت رساندن نیروهای کرد نیستند و اساسا، همانطور که توضیح داده شد، خواهان تغییر نظام در ایران نیستند. اما این به معنی محکوم کردن نیروهای ائتلاف بخاطر پذیرش کمکها و حمایت آمریکا نیست. در تجربه انقلابات معاصر قبول کمکهای بدون قید شرط دولتها با حفظ استقلال سیاسی از جانب نیروهای اپوزیسیون در کشورهای مختلف نه امر تازه ای است و نه قابل محکوم کردن. بسیاری از نیروهای انقلابی از جانب دولتهای مختلف مورد حمایت قرار گرفته اند بی آنکه در اهداف و سیاستهای خود تغییری بدهند.

در این مورد نیز آمریکا هر نیتی داشته باشد احزاب کرد میتوانند اهداف سیاسی مستقل خود را دنبال کنند. این احتمال وجود دارد که سازمانهای ائتلافی بتوانند نیروهای ضربه خورده رژیم را عقب برانند و شهرها و مناطقی از کردستان را آزاد کنند. این امر میتواند به میدان آمدن مردم و حضور آنها در صحنه و بدست گرفتن کنترل شهرها و مناطق بوسیله بنکه ها، که سنت زنده ای در کردستان است، منجر شود. در این صورت کردستان به الگویی برای دیگر شهرها بدل خواهد شد و بالقوه میتواند سیر تحولات را در جهت سرنگونی کل حکومت بقدرت مردم متشکل و مسلح تغییر بدهد. در این جا نیز سر برآوردن قدرت مردم رژیم را به تسلیم در برابر آمریکا و قطع فوری جنگ سوق خواهد داد و این بنوبه خود شرایط را برای تعرض نهائی مردم انقلابی بیش از پیش فراهم خواهد آورد.

چرا جمهوری اسلامی کوتاه نمی آید؟

ممکن است پرسیده شود که اگر غرب به یک جمهوری اسلامی رام شده رضایت میدهد چرا جمهوری اسلامی کوتاه نمی آید؟ اینجا هم مساله بر سر رابطه رژیم با مردم است. معمولا تحلیلگران تسلیم نشدن جمهوری اسلامی به شرایط آمریکا را ناشی از حماقت و اشتباه محاسبات رژیم و دلایلی از این قبیل میدانند اما حماقت و اشتباه محاسبه ای در کار نیست. رژیم نمیتواند از سیاستها و اقدامات ضد آمریکایی-ضد اسرائیلی اش دست بشوید چون هویت و علت وجودی خود را از دست میدهد و راه را برای سرنگونی خود بدست مردم هموار میکند. همانطور که کوتاه آمدن هیتلر از سیاست گفتمان و "آرمان" یهودی ستیزانه چیزی از نازیسم باقی نمیگذاشت، دست شستن نازیسم اسلامی از غربستیزی نیز کل موجودیت او را بر باد خواهد داد.

مردم به خوبی میدانند که پروژه های منطقه ای حکومت و نفس آمریکا و اسرائیل ستیزی او ابزاری برای سرکوب داخلی است و میدانند که تسلیم جمهوری اسلامی به شرایط اعلام شده غرب زمینه بسیار مساعدی برای خیزش انقلابی آنها و وارد کردن ضربه نهائی به حکومتی که ده ها هزار نفر از آنها را در عرض دو روز به خاک و خون کشیده فراهم خواهد کرد. این واقعیت ممکن است برای چپ محور مقاومتی و نیروهای "ضد امپریالیست"، که مانند جمهوری اسلامی هویتشان ضدیت با غرب همیشه و در هر شرایطی است، قابل درک نباشد اما برای مردم ایران و برای هر کس باورهای ذهنی و کلیشه ای اش واقعیات را مسخ و دفرمه نکره باشد، چیزی بدیهی تر از این نیست که هرس کردن جمهوری اسلامی از سیاستهای غربستیزانه اش به نفع جنبش و مبارزات پیگیر مردم برای خلاصی از شر جانیان حاکم است.

آیا غرب بدنابل رژیم چنج است؟

ترامپ و نتانیاهو بارها از رژیم چنج در ایران سخن گفته اند. بویژه تاکید میکنند که هدفشان از حمله اخیر تغییر رژیم در ایران است اما مستقیم و غیر مستقیم این را هم اضافه میکنند که آلترناتیویشان نیرو و بخشی. از درون خود حکومت است. بخشی که حاضر باشد شرایط آنها را بپذیرد. بعبارت دیگر منظور آنان از رژیم چنج یک جمهوری اسلامی منهای آمریکا-اسرائیل-غربستیزی است. منظور آنان از تغییر جمهوری اسلامی تغییر سیاست خارجی آنست و نه لزوما تغییر سیاستهایش در قبال مردم. وقتی ترامپ اعلام میکند که در صورت پذیرش شرایطش حتی به جمهوری اسلامی کمک خواهد کرد که اقتصادش شکوفا شود گراف نمیگوید.

امر و هدف آمریکا و اسرائیل و کلا دول غربی تغییر رفتار رژیم علیه مردم، تحقق دموکراسی و حقوق بشر در ایران و نظایر آن نیست. اینها صرفا ماتریال تبلیغی برای جلب افکار عمومی است اما بطور واقعی غرب ترجیح میدهد با جمهوری اسلامی رام شده طرف باشد تا با رژیم تماما و اساسا متفاوتی از کل حکومت و نظام موجود. این دومی از نظر آمریکا و متحدینش شرایط نامعلوم و غیر قابل کنترلی را ایجاد خواهد کرد. از نظر دول غربی هر اندازه تصعیف بنیادها و ارکان سیستم حکومتی و هر نوع اعمال اراده مستقیم مردم در حکومت و اداره امور خود، تداوم ماشین حکومت و نظم موجود که آنرا "ثبات و آرامش" مینامند، در ایران و در منطقه به خطر خواهد انداخت. آمریکا و اسرائیل بارها تاکید کرده اند که تغییر رژیم امر خود مردم ایران است و امیدوارند تهاجم نظامی آنها زمینه را برای خیزش مردم فراهم کند. اما باید اضافه کرد به شرطی که خیزش مردم از چارچوب مورد پذیرش آنها فراتر نرود.

اگر آمریکا و اسرائیل و یا هر دولت دیگری واقعا خواستار تغییر رژیم در ایران بقدرت خیزش انقلابی مردم می بودند راه بسیار ساده تر و کم هزینه تری از لشکرکشی و حمله نظامی را میتوانستند انتخاب کنند، راه بایکوت را. کمک واقعی به انقلاب مردم در ایران بایکوت کردن همه جانبه جمهوری اسلامی است. اگر جمهوری اسلامی از سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی اخراج میشد، سفارتخانه هایش در همه کشورها بسته میشد و از شرکت در مسابقات ورزشی و مراسمها و فستیوالهای هنری و ادبی جهانی محروم میگشت، اگر دنیا با جمهوری اسلامی همان رفتاری را میکرد که با رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی کرد، در ایران نیز همان اتفاقی می افتاد که در آفریقای جنوبی افتاد یعنی ریشه کن شدن حکومت آپارتاید اسلامی بقدرت انقلاب مردم.

در دیماه امسال قتل عام مردم زمینه بایکوت جهانی جانیان حاکم در ایران را بیش از همیشه فراهم آورد اما غرب ترجیح داد مذاکره با قاتلین

شر حکومتی است که بقا و موجودیتش به جنگ افروزی در خود ایران و در منطقه گره خورده است.

اکنون رژیم در منگنه دو جنگ قرار گرفته است و فاکتور تعیین کننده در هر دو مردم بپاخاسته ای هستند که مدتهاست جنگ خود با حکومت را شروع کرده اند. این جنگ همچنان ادامه دارد.

همانطور که در ابتدای این نوشته اشاره شد تا همین جا نمونه های حرکت اعتراضی مردم در زیر بمباران، از شعاردهی های شبانه تا رقص و شادی خیابانی پس از کشته شدن خامنه ای و تا تداوم سه شبانه های علیه اعدام در ۶۷ زندان را شاهد بوده ایم. این حرکات نشان میدهد که زمینه سازماندهی و سازمانیابی برای مقابله با رژیم در شرایط جنگی فراهم است. دست از کار کشیدن و متوقف کردن چرخهای تولید و کار و کسب، تعطیل کردن کارخانه ها و مغازه ها و مدارس و دانشگاهها و ادارات، تشکیل جمعهای محلی برای کمک رسانی و همیاری و مقابله با مصائب جنگ، کسب آمادگی برای بدست گرفتن کنترل محلات و شهرها هر جا و به هر درجه سلطه رژیم تضعیف شود، و بالاخره آمادگی برای مسلح شدن در مناطقی مانند کردستان که دست بردن به اسلحه امکان پذیر یک سنت جا افتاده است، اینها همه رئوس فعالیتهاست که میتوان و باید در دستور نیروهای انقلابی قرار بگیرد.

از نقطه نظر نیروهای انقلابی و مردمی مطلوب ترین راه پایان یافتن جنگ جاری سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت مردم است اما حتی اگر در طی جنگ این امر عملی نشود تقویت و گسترش اعتراضات مردم میتواند عمل موثری باشد در ختم این جنگ به نفع انقلاب. یعنی پایان یافتن جنگ با دست شستن رژیم از سیاست های تروریستی اش و تسلیم کامل به شرایط غرب. جمهوری اسلامی نمیتواند تسلیم شود چون کل هویت و موجودیتش بر باد میرود و دقیقا به همین دلیل باید جمهوری اسلامی را وادار به تسلیم کرد. تقویت و پیشروی مبارزات مردم علیه حکومت حتی اگر در دل جنگ جاری به سرنگونی رژیم منجر نشود عامل موثری در خدمت تسلیم رژیم خواهد بود و این خود گام تعیین کننده ای در جهت سرنگونی انقلابی حکومت پس از ختم جنگ است.

پیشبرد وظایف فوق در شرایط خطر حاضر به بهترین و موثر ترین نحو با گرد آمدن و همراهی همه نیروهای که برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم مبارزه میکنند میسر است. نوع نظام آتی را باید به رای مستقیم مردم بعد از سرنگونی رژیم سپرد اما امروز زمان گردآمدن نیروها و همکاری عملی آنها برای بزیر کشیدن کل نظام جهنمی جمهوری اسلامی است. حزب ما یکبار دیگر آمادگی خود را برای وسیع ترین همکاریها در جهت سرنگونی حکومت بقدرت انقلابی مردم اعلام میدارد.

۱۴ اسفند ۱۴۰۴، ۵ مارس ۲۰۲۶

بالائی ها را به جنگ مردم علیه جمهوری اسلامی مرتبط میسازد. رژیم میتواند بمباران هوایی را تحمل کند و امیدوار باشد که بعد از خاتمه جنگ گرد و خاکها را از خود بتکاند و به حاکمیتش ادامه دهد اما مطمئن است در صورت دست شستن از استراتژی هویتی غربستیزی شانس برای حفظ بقای خود در برابر هجوم مردم نخواهد داشت. هر دیکتاتوری برای حفظ سلطه اش نیاز به دشمن خارجی دارد اما برای جمهوری اسلامی مساله از توجیه و تبلیغ حکومتی بسیار فراتر میرود. "دشمن خارجی" برای رژیم از همان ماههای اول موجودیتش، از زمان تسخیر سفارت آمریکا و سپس جنگ با عراق تا جنگ جاری، به استراتژی بقا و جزئی از سیاست داخلی و امر هویتی و وجودی او تبدیل شده است. رژیم همواره ادعا کرده است "اعتراضات و خیزشها مداوم مردم، در ۷۸ و ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ و تا همین امروز، زیر سر دشمن خارجی است، گرانی و فلاکت اقتصادی بخاطر تحریمهای دشمن است، سرکوب و کشتار لازمه حفظ امنیت ملی در برابر دشمن است، کمکهای بیدریغ به نیروهای نیابتی ضروریست چون سدی در برابر هجوم دشمن خارجی هستند" و غیره و غیره. جوهر و اساس این سیاست در واقع حفظ سلطه در برابر هجوم مردم است. رژیم به دشمن خارجی نیاز دارد تا دشمن داخلی را بکوبد و این سیاست اکنون آشکارا به آخر خط رسیده است. سقوط بشار اسد، ترور اسماعیل هنیه و حسن نصرالله و یحیی سنوار، کشته شدن ده ها مقام لشکری و کشوری حکومت در جنگ دوازده روزه و جنگ جاری، بویژه امروز کشته شدن خامنه ای، "آغاز پایان نظام منحوس ولایت فقیه" را رقم زده است. اما ضربه نهائی را تنها جنبش سرنگونی طلبانه مردم می تواند وارد کند.

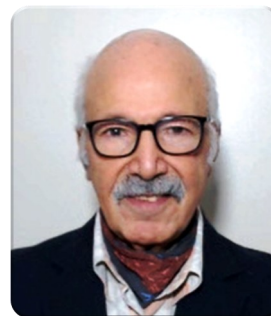
چه باید کرد؟

ابتدا باید توجه داشت که حمله آمریکا و اسرائیل سیاست سرکوب و کشتار مردم بوسیله جمهوری اسلامی را متوقف نکرده است. جنگ دولتها بر بستر جنگ رژیم علیه مردم صورت میگیرد و امر حکومت استفاده حداکثری از جنگ اول برای تقویت موقعیت خودش در جنگ دوم است. ازینرو پاسخ مردم به کلیه مصائب و بیحقوقیها و نسل کشی و کشتار، از جمله به جنگی که حکومت بر مردم تحمیل کرده، تنها میتواند سرنگون کردن این رژیم جنگ و ترور باشد. امر مردم "صلح" نیست. جهنمی که رژیم برپا کرده، بویژه شرایط آخرالزمانی بعد از نسل کشی. دیمه، را هر چه میتوان نامید بجز صلح! امر مردم سرنگونی رژیم است که در جنگ و صلح بجز سرکوب و کشتار راه دیگری برای بقای خود ندارد. مردم و نیروهای انقلابی میتوانند و باید در شرایط جنگی نیز جنگ خود علیه رژیم را به پیش ببرند. مردم و نیروهای انقلابی که مردم را نمایندگی میکنند نه خواهان جنگ هستند و نه خواهان جمهوری اسلامی اما میدانند که "نه به جنگ" در گرو "نه به جمهوری اسلامی" است.

بدون سرنگونی جمهوری اسلامی، جنگ و سایه سیاه جنگ از سر ایران برداشته نخواهد شد. صلح و آرامش واقعی در ایران در گرو خلاصی از

اساس سوسیالیسم انسان است!

نابودی خامنه ای، وضعیت حکومت و آینده جامعه



کازم نیکخواه

میخواهد جامعه از دیکتاتوری و سلطه مذهب و اشرافیت و سرمایه داران و مفتخوران و دیکتاتورهای رنگارنگ خلاص شود و مردم خود از طریق شوراهایشان قدرت را به دست بگیرند. وقتی از اپوزیسیون چپ صحبت میکنیم ناچاریم فوراً به تفکیک و فاصله روشنی که در میان این طیف بین حزب کمونیست کارگری از یک طرف، و جریانات ریز و درشت ایدئولوژیک و سنتی و غیر سیاسی چپ وجود دارد، اشاره کنیم. در واقع نقش اصلی و سیاسی طیف چپ را این حزب و چپ اجتماعی ایفا میکند که بروزات روشن آن در انقلاب زن زندگی و در بیانیه های بیست تشکیل کارگری و اجتماعی و در شعارها و اعتراضات هر روزه اجتماعی کارگران و دانشستگان و دانشجویان خود را نشان میدهد. این طیف بر سرنگونی کامل جمهوری اسلامی و دور ریختن تمام سنتها و نهادهایش تاکید دارد و خواهان جامعه ای انسانی، آزادی های بی قید و شرط سیاسی، آزادی بی قید و شرط احزاب و تشکلهای چپ و چه راست و چه هر گرایش دیگری، رفع تبعیض در جامعه در همه سطوح، حقوق برابر همه شهروندان با تاکید بر حقوق برابر اجتماعی و رفاهی و سیاسی برای همه شهروندان منتسب به اقلیتهای قومی و مذهبی و ال جی بی تی کیوها، و رفاه اجتماعی برای همه شهروندان تاکید دارد. این چپ اجتماعی، با چپ ایدئولوژیک، که تمام مشغله اش ضدیت با "امپریالیسم" و آمریکاست و حتی با عبارت جامعه انسانی علناً و رسماً مخالفت میکند و از خواستها و مبارزات مدرن و انسانی و پیشرو جامعه بسیار فاصله دارد، فاصله زیادی دارد و از جنس متفاوتی است. بروزات چپ سوسیالیستی را در اعتراضات اجتماعی بخشهای مختلف طبقه کارگر، در حرکتیهای جوانان و زنان مدرن و سکولار و آزادیخواه جامعه، و شعارهای آزادیخواهانه در اعتراضات مختلف و بویژه در انقلاب زن زندگی آزادی و تمام حرکتیهای اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و بسیاری نمونه های دیگر میتوان مشاهده کرد.

اپوزیسیون راست بویژه طیف سلطنت طلب دنباله رو پهلوی، نسبت به طیف چپ سر و صدای بیشتری دارد. چرا که رسانه های متعددی را با پول و امکانات در اختیار گرفته است و بمباران تبلیغی گسترده ای را به جریان انداخته است. بویژه در جریان خیزش ۱۴۰۴ در خارج کشور این طیف دست به تحرکات گسترده ای زده و تلاش میکند صدای چپ و حتی دیگر مخالفان حکومت را با شیوه های دیکتاتورمنشانه خاموش کند. اما فضای جامعه آشکارا پذیرای چنین آلترناتیو رو به عقب و انحصار طلب و از بالای سر مردم نیست. این طیف تنها میتواند همانگونه که تاریخاً همیشه اینچنین بوده است، از طریق قدرتهای خارجی به جامعه ورود کند و بر سر مردم حاکم شود. و چنین امکان و زمینه پذیرش چنین سناریویی در جامعه وجود ندارد. جامعه ایران عمیقاً از پذیرش آلترناتیوهای بالای سر مردم فاصله گرفته است و پیشروتر و آگاهتر از آنست که به شاه و ساواک و دیکتاتوری دیگری گردن بگذارد. برای آمریکا و دیگر دولتهای غربی نیز کلاً سیاست وارد کردن چلبی های به داخل کشور و تحمیل آن به مردم، در شرایط فعلی در دستور کار و در امکاناتشان نیست. چون این سناریوها قبلاً در عراق با شکست پروژه چلبی، در افغانستان با پوچ شدن پروژه بازگرداندن ظاهر شاه به قدرت، و نمونه های دیگری شکست خورده است.

به عبارت دیگر بحث آلترناتیو بعد از جمهوری اسلامی برای جریانات راست علیرغم امکانات وسیع تبلیغی و پولی، بسیار مشکل تر و پر دست انداز تر از چپ است. چرا که جامعه یک بار حکومت پهلوی را سرنگون کرده و فضای جامعه، شعارها، بیانیه ها، فضای اعتراضات کارگران و معلمان و دانشستگان و دانشجویان و زنان و بخشهای دیگر، چپ سوسیالیستی را تداعی میکند و نه راست را. جایگاه برجسته بخشهای طبقه کارگر در اعتراضات اجتماعی خود مانعی برای راست است. برابری طلبی، ضدیت با اعدام و سرکوب و زندان،

جمهوری اسلامی به تلاطم سقوط افتاده است. خامنه ای و سران و فرماندهانش را از دست داده و زیر ضربات نظامی در جنگ قدرتهای بین المللی قرار دارد. با نابودی خامنه ای چشم انداز سرنگونی حکومت اسلامی بسیار نزدیکتر و واقعی تر از هر زمان است. قطعاً حاکمین اسلامی تلاش میکنند که یک رهبری جدید یا بهرحال کسانی را در راس هرم قدرت بگذارند و دور او سینه بزنند و وانمود کنند که مساله حل شد. این را شروع کرده اند و یک شورای رهبری موقت تعیین نموده اند. اما ساده انگاری است که کسی فکر کند جمهوری اسلامی میتواند از این ضربه یعنی نابودی خامنه ای که تمام ضربه های قبلی را نیز زنده میکند، و همچنین دیگر فرماندهان و شخصیتهایش، باز هم سر بلند نماید. شکافهایشان بییشتر میشود، جنگ و جدالهایشان بیرون میزند، بریدن از حکومت در سطوح مختلف فعال و گسترده میشود و کلاً اوضاع قمر در عقرب پیدا خواهند کرد. این وضعیت کمابیش الان شروع شده است. آنهم در شرایطی که مردم زن و مرد و کودک و پیر و جوان از این حکومت و این دستگاه جنایت بیش از هر زمان متنفر و منزجرند و با تمام وجود و با از خودگذشتگی تلاش میکنند از این هیبت ننگین و پر از خون و جنایت، خود را هرچه زودتر خلاص کنند. هیچ تردیدی نباید داشت که با نابودی خامنه ای جمهوری اسلامی، نمیتواند خود را سرپا نگه دارد.

در تهران و دیگر شهرهای مختلف کشور، رقص و پایکوبی جوانان و مردم از مرگ خامنه ای جلاجل جریان دارد. شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده میشود.

در میان اپوزیسیون نیروهای مختلفی برای پر کردن جای حکومت اسلامی یا دوره بعد از حکومت، تلاش میکنند. در کمپ راست، بیشترین پول و امکانات در اختیار سلطنت طلبان است که تلاش دارند جامعه را به عقب بکشانند و شاه و ساواک و سرکوب را جایگزین حکومت اسلامی نمایند. برای رسیدن به این پروژه روی بخشی از حکومت از جمله پاسداران و بسیجی ها و آخوندها و مزدوران حکومت حساب باز کرده اند که با آنها نزدیک شوند. رضا پهلوی بارها گفته است که بخشهایی از سپاه و بسیج با او هستند و باید با آخوندهای متمدن کنار آمد.

جناح راست و لیبرال جمهوریخواهان نیز تلاش میکنند آلترناتیوی متمایز و متفاوت از سلطنت را روی میز بگذارند و ائتلافها و تحرکاتی در میان آنها مشاهده میشود. این طیف روی یک سیستم سرمایه داری "متعارف" با جمهوری سکولار، تاکید دارد و تلاش میکند خود را در تمایز با راست سلطنت طلب و چپ سوسیالیست مطرح نمایند اپوزیسیون چپ و سوسیالیست روی جمهوری شورایی تمرکز دارد و

زنده باد روز جهانی زن: زن زندگی آزادی، ضرورت زمانه است!

اگر وقتی هست که باید زن زندگی آزادی را رساتر و محکم‌تر و مصمم‌تر از همیشه و در همه جا فریاد زد، آن زمان همین ۸ مارس ۲۰۲۶، برابر با هفدهم اسفند ۱۴۰۴، یعنی روز جهانی زن امسال است.

ایران، و به این اعتبار خاورمیانه و جهان، لحظات بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای را می‌گذرانند. در دل انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، جنگی آغاز شده که مسبب آن سیاست‌های ضد بشری جمهوری اسلامی و اهدافی است که دولت‌های اسرائیل و آمریکا برای پیشبرد سیاست‌های خود در منطقه دنبال می‌کنند. تنها راه حل انسانی و رهایی‌بخش در قبال این اوضاع، بالاتر بردن پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی است که زنان قهرمان و مردم انقلابی ایران بر دوش می‌کشند.

هشت مارس ۲۰۲۶، هفدهم اسفند ۱۴۰۴، فرصتی است تا شعار سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی را بعنوان راه حل واقعی مردم ایران، منطقه و جهان در مقابل جنگ حاضر و شرایط مخاطره‌آمیز کنونی مطرح کرد که زندگی میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر خود قرار داده و خواهد داد. از فرصتی که مراسم، اجتماعات و تظاهرات‌های سنت ریشه‌دار و پر افتخار هشت مارس، روز جهانی زن، در ایران و جهان بوجود می‌آورد باید استفاده کرد تا صفوف خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی، پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی و برقراری حاکمیت مستقیم مردم را که تنها ضامن تحقق آزادی و برابری و رفاه و صلح برای همه آحاد جامعه است، متحدتر و متشکل‌تر سازیم.

حزب کمونیست کارگری فعالانه برای برپایی هرچه با شکوه‌تر مراسم‌ها و اجتماعات هشت مارس و شعاردهی به این مناسبت می‌کوشد، دست تک‌تک برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان این گردهمایی‌ها را به گرمی می‌فشارد و آنها را فرامیخواند تا این مراسم‌ها را به فرصتی برای حمایت از مبارزه زنان و مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و برای پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی تبدیل کنند.

زنده باد هشت مارس!
سرنگون با جمهوری اسلامی!
پیروز باد انقلاب زن زندگی آزادی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ اسفند ۱۴۰۴، ۵ مارس ۲۰۲۶

ضدیت با مذهب و نهادهای مذهبی، دفاع فعال از برابری زن و مرد، رفع تبعیضات اجتماعی و سیاسی، تقابل با مافیای سرمایه داری و چپاولگر و امثال اینها، که مصالح طبقه کارگر را بازتاب می‌دهد واقعیت را به روشنی بازتاب می‌دهد.

اما هنوز تا رسیدن به فضایی که چپ و راست در یک فضای آزاد آلترناتیوهای خود را به رای و انتخاب آزادانه مردم بگذارند، فاصله جدی‌ای وجود دارد و موانع و تحولات پیچیده‌ای در مسیر پیش رو خودنمایی میکند.

دولت‌های غربی تلاش میکنند نقشه‌ها و آلترناتیوهای خود را به مردم بقبولانند. یک آلترناتیو آنها، اصلاح و تغییراتی در حکومت اسلامی و جانشینی خامنه‌ای با یک چهره مسالمت‌جوتر با آمریکا و اسرائیل است. یعنی تغییر حکومت به یک حکومت همسویا غیر متخاصم با غرب و پایان جنگ و کشاکش‌های نظامی است. این سیاست عملاً تقلاهای سلطنت‌طلبان برای کسب مقبولیت توسط غرب را با مانع و شکست این جریان را با مشکلات و معضلات جدی مواجه کرده و میکند. برای غرب در شرایط فعلی حفظ جمهوری اسلامی موضوع اصلی است. اما جمهوری اسلامی‌ای که تغییر و تحولاتی را متحمل شده است. این یک تلاش و احتمال واقعی است. چون آلترناتیو بهتر و با دوام‌تری را در دسترس نمی‌بینند. اما بطور قطع جمهوری اسلامی شکست خورده و تغییر ماهیت داده، در برابر مردم منجر از کل این حکومت ضربه پذیرتر و شکننده‌تر است و خیلی زود با قدرت انقلاب مردم به زیر کشیده خواهد شد. چنین تلاشی در عین حال کل جریانات راست را نیز خلع سلاح میکند.

نتیجه اینکه با نابودی خامنه‌ای جلاد یک چرخش مهم در اوضاع سیاسی ایران به زیان جمهوری اسلامی صورت گرفته که اگر ما مردم، ما کارگران و مردم هوشیار باشیم، میتوانیم از آن برای پیشروی‌های بسیار ملموس و فوری‌ای استفاده کنیم. آینده جامعه باید به دست خود مردم رقم بخورد. قدرت باید به دست مردم باشد. هیچ نیرویی از بالای سر مردم نمیتواند و نباید بتواند بر جامعه حاکم شود. قدرت به دست مردم! این شعار ماست. شوراهایمان را در همه جا، کارخانجات، ادارات، مدارس، مناطق و محلات تشکیل دهیم و از طریق آنها اداره امور را به دست گیریم. این امن‌ترین و ساده‌ترین و واقعی‌ترین راه برای خلاصی از حاکمیت جنگ و قتل و جنایت است. ما مردم میتوانیم این جامعه را از دوره سیاه سلطه اقلیت مفتخور و سرکوبگر، و جنگ و کشتار و اعدام و سرکوب و فقر و فلاکت گذر دهیم و خلاص کنیم. میتوانیم و باید تلاش کنیم شادی و امنیت و آزادی را به زندگی همه شهروندان بازگردانیم.*
(مندرج در نشریه کارگر کمونیست شماره ۹۲۵)

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

وضعیت هستند.

در نتیجه حمله نظامی آمریکا و اسرائیل و ضربات سنگینی که در همین فاصله کوتاه به حکومت وارد شده، بهویژه با مرگ خامنه‌ای، شرایط برای تهاجم همه‌جانبه به جمهوری اسلامی فراهم‌تر شده است و باید برای آن آماده بود. در این شرایط بر این نکات برای فعالین و دستداران حزب تاکید داریم:

سازمانیابی و اتحاد مبارزاتی در سطح سراسری
اقدامات فوری در این راستا عبارت‌اند از:

۱- ایجاد شبکه‌های همیاری و مبارزاتی محله‌محور
ایجاد شبکه‌های همیاری و مبارزاتی محله‌محور در تمام محلات و شهرها امری فوری است. در برخی مناطق این شبکه‌ها شکل گرفته‌اند، اما باید برای ایجاد آن‌ها در سراسر کشور فعالانه دست‌به‌کار شد. این یک گام مهم در پیوند نزدیک‌تر فعالین با مردم است.

وظایف اولیه این شبکه‌ها عبارت‌اند از:

- همیاری و همبستگی میان مردم و سازماندهی کمک‌رسانی مردمی در رابطه با مشکلات احتمالی مانند تأمین نیازهای اولیه زندگی، کمک به مجروحان کشتار حکومتی، یاری‌رساندن به خانواده زندانیان و موارد مشابه.

در این شرایط ممکن است زندگی و معیشت مردم با مخاطراتی روبه‌رو شود. با سازماندهی شبکه‌های محله‌ای و سازماندهی کمک‌رسانی، می‌توان با این مشکلات مقابله کرد و بستر مبارزه را تقویت نمود.

- ایجاد ارتباطات وسیع و فعال با ساکنین محلات، و تدارک

اوضاع خطر سیاسی و برخی چه باید کردهای فوری



شهلا دانشفر

اوضاع خطر سیاسی و برخی چه باید کردهای فوری
اوضاع سیاسی بسیار خطرناک و به شدت متحول است. آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی و حملات به مراکز و مقرهای نظامی و هسته‌ای و مقامات حکومتی، و همچنین کشته‌شدن خامنه‌ای و شماری از فرماندهان و سران نیروهای سرکوب، معادلات بسیاری را تغییر داده است. بهویژه کشته‌شدن خامنه‌ای شیرازه حکومت را از هم می‌پاشد و توازن قوا را به نفع انقلاب مردم تغییر خواهد داد و به‌طور واقعی نقطه‌عطفی در مسیر سرنگونی حکومت محسوب می‌شود. جشن و شادی مردم در شهرهای مختلف با شنیدن این خبر، بیان روشن همین واقعیت است.

نخستین نکته این است که جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی در دل جنگ ما مردم با این حکومت آغاز شده است. مردمی



تجمع و اعتراض و سازماندهی اعتراضات در مناطق مختلف شهری، از وظایف مهم این شبکه‌هاست.

- ارتباط با خانواده‌های جانبازان و فعالین در مراسم سازماندهی مراسم خانواده‌های جانبازان به‌عنوان محل حضور گسترده مردمی.

ادامه در صفحه ۹

که پس از نسل‌کشی. دی‌ماه با اعتراضات گسترده خود سرآوردند، عزم راسخ خود را برای سرنگونی این حکومت اعلام کردند. مراسم‌های هزاران نفره گرامیداشت یاد جان‌باختگان دی‌ماه، اعتراضات قدرتمند دانشجویان در دانشگاه‌ها به‌عنوان سنگر مهم دادخواهی و انقلاب مردم، به میدان آمدن دوباره بازنشستگان و اعتراضات گسترده مردمی در فضای انقلابی جامعه، نمادهای بارز این

اساس سوسیالیسم انسان است!

بخش حیاتی حمل و نقل کشور، و در بخش های خدماتی مانند راه آهن، مخابرات، شهرداری ها، پرستاران و سایر بخش ها، همراه با برنامه ریزی دقیق برای تأمین نیازهای ضروری مردم. توقف کار و دست از کار کشیدن یک شکل عملی برای شکل گیری اعتصابات سراسری و عمومی در شرایط کنونی است و باید وسیعا

باید با خانواده ها حتی المقدور ارتباط برقرار کرد و در برگزاری مراسم و دادخواهی خانواده ها و تجمعات آنها نقش ایفا کرد. این جنب و جوش تا سرنگونی حکومت ادامه خواهد داشت و ما باید

کمپین یک ماهه جمع آوری ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی!



گفتمان آنها به راه انداختن و کمیته های اعتصاب و شوراهای هماهنگی اعتراضات را در همه جا شکل داد و بدینگونه فضا و آمادگی برای اعتصابات سراسری و سیاسی را فراهم کرد.

۳- تلاش برای نجات جان بازداشت شدگان و آزادی زندانیان سیاسی

یکی از نگرانی های جدی مردم، وضعیت بازداشت شدگان است. گزارش هایی نگران کننده از وضعیت زندانیان منتشر شده و خبرهایی از درگیری و محاصره زندان اوین به گوش می رسد. در همراهی با خانواده ها، در تمامی شهرها باید برای نجات جان زندانیان تلاش کرد.

جمع بندی

در این شرایط حساس، مهم ترین تأکید بر سازماندهی، ایجاد شبکه های همیاری و مبارزاتی محله محور و به راه انداختن گفتمان اعتصابات کارگران معلمان، دانشجویان، کارکنان ادارات، و پرستاران، بازاریان و بخشهای مختلف شاغل جامعه است. تشکیل کمیته های اعتصاب در محیط های کاری؛ سازماندهی برای تداوم مبارزه، فلج کردن اقتصاد حکومت، برداشتن کنترل آن از زندگی مردم، مقابله با مشکلات فوری معیشتی، ایستادگی در برابر سرکوب و حفظ امنیت محلات و شهرها، و در نهایت شکل دادن به اتحاد مبارزاتی سراسری برای آزادی بازداشت شدگان در شرایط کنونی و در آینده نزدیک بسیار مهم و حیاتی است.

به هر درجه ای که از پایین مردم متشکل تر باشند. نیروی میشوند برای حضور در صحنه سیاسی که نشود آنها را ندید گرفت و این مسیر شکل گیری اعمال قدرت مردمی و آماده شدن برای کنترل و اداره جامعه در برابر هر گونه آلترناتیو سازی از بالای سر مردم است و این مساله کلیدی و فوری است.

پاسخ فوری حزب به این شرایط، سرنگونی جمهوری اسلامی با انقلاب مردم است.

دیر کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری-شهرلا دانشفر-۱۰ اسفند ۱۴۰۴

یک پای آیین باشیم.

- ایجاد ارتباط با دانشجویان

ارتباط با دانشجویان در شهرهای مختلف، تأثیر گذاری بر ادامه اعتراضات دانشجویان و حمایت وسیع از آنان، مقابله با نیروهای سرکوب و حفظ امنیت محلات، تهیه فهرست اسامی بازداشت شدگان در هر محل و شهر و همراهی با خانواده ها برای آزادی آنان، از جمله فعالیت های ضروری شبکه های محله محور است.

- ایجاد فضا و تحرک برای شعاردهی های شبانه

- شعاردهی های شبانه شکل مهمی برای زنده نگه داشتن فضای اعتراضی و تقویت اتحاد و همبستگی مردمی است و باید در همه شهرها گسترش یابد.

- پیدا کردن راههای ارتباطات مردمی

- جمهوری اسلامی بار دیگر با قطع کامل اینترنت و ایجاد خاموشی دیجیتال، در هراس از سازمان یابی و گسترش اعتراضات مردمی عمل کرده است. یکی از وظایف مهم شبکه های محله محور، یافتن راه های اطلاع رسانی داخلی و ارتباط با خارج از کشور برای خنثی کردن این شکل آشکار سرکوب است.

۲- دست از کار کشیدن و توقف کار و تدارک سازمانگرا نه اعتصابات سراسری و عمومی

دامن زدن به گفتمان و فضای اعتصابات سراسری و سیاسی

در حال حاضر مدارس، دانشگاه ها، ادارات و بسیاری از مراکز کلیدی به دلیل شرایط جنگی و مبارزاتی تعطیل اند. این وضعیت را باید به عنوان اهرم فشار بر روی حکومت اسلامی به توقف کار و دست از کار کشیدن در مراکز کارگری و در سطح جامعه تبدیل کرد. همراه با دست از کار کشیدن و توقف کار و چرخه تولید به راه انداختن گفتمان اعتصابات سراسری و عمومی و تدارک و سازماندهی آن یک اقدام عاجل در شرایط سیاسی امروز است. از جمله توقف کار از سوی بخش های مختلف کارگری به ویژه در مراکز نفتی و کارخانجات بزرگ و کلیدی، معلمان، دانشجویان، کسبه بازار، کامیون داران به عنوان

اساس سوسیالیسم انسان است!

و پوست خود لمس کرده‌اند: میلیتاریسم، اعدام، سرکوب خونین، شلیک به کولبر و سوختن، قتل معترضان در ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱، و کشتارهای دهه‌ی ۶۰ و ۶۷. چه کسی این جنایت‌ها را مرتکب شد؟ پاسخ روشن است: همین حکومت. جمهوری اسلامی!

برخی دیگر می‌گویند در خارج کشور شعار سرنگونی ندهید؛ گوی «امر مردم» چیز دیگری است. اما مگر مردم در خیابان‌های ایران چه فریاد زدند؟ مگر جنبش‌های اعتراضی سال‌های اخیر چه خواستند؟ حقیقت این است که مسأله‌ی مرکزی جامعه، عبور از جمهوری اسلامی است. هر سیاستی که این محور را تضعیف کند، عملاً به بقای وضع موجود یاری می‌رساند.

در این شرایط خطر، وظیفه‌ی نیروهای آزادی‌خواه سازمان‌دهی قدرتمندترین نیروی جنبش سرنگونی است؛ نیروی متکی به مردم، نیروی که هم با جنگ و ویرانی مخالف است و هم با رژیم‌هایی که بانی این وضعیت است. باید آن بخشی از چپ را که مبارزه را صرفاً به «ضدیت با اسرائیل و امپریالیسم» تقلیل می‌دهد و از دیدن ستم ساختاری و خون

در سنگر سرنگونی ایستاده ایم!



نسان نودینیان

ششمین روز است که چشم‌ها به آسمان‌های غلیظ از دود و آتش دوخته شده است. بیش از صد شهر و صدها مرکز نظامی، با ضربه‌های ویرانگر بمب و پهپاد شخم خورده اند. مراکز سرکوب، پادگان‌ها، میدان‌های اعدام و رژه‌های حکومتی، این روزها به جای فرمانده و



جاری در خیابان‌های ایران سر باز می‌زند، به نقدی صریح کشید. ضدیت انتزاعی با قدرت‌های جهانی، بدون تعیین تکلیف روشن با جمهوری اسلامی، نه رادیکال است و نه آزادی‌خواهانه

معیار آزادی‌خواهی امروز، موضع روشن در قبال جمهوری اسلامی است. انقلابی‌گری در این مقطع تاریخی، از سنگر سرنگونی‌طلبی و پایان‌دادن به حاکمیت سرکوب و اعدام تعریف می‌شود. هر راهی که این هدف را کمرنگ کند، مردم را از افق رهایی دور می‌کند.

اکنون زمان تردید نیست؛ زمان سازمان‌دهی، روشنگری و تمرکز بر هدف اصلی است: پایان‌دادن به جمهوری اسلامی و گشودن راهی برای آزادی، برابری و حاکمیت مردم.

۱۴ اسفند ۱۴۰۴

آخوند و سرود رسمی، با صدای انفجار و دلهره و فرار پر شده‌اند. صحنه عوض شده است.

اما اشتباه نکنیم: این جنگ دولت‌های خارجی با جمهوری اسلامی است، نه جنگ با مردم. جنگی که رأس هرم سرکوب و اعدام خامنه‌ای را هدف گرفته؛ همان‌ها که دهه‌ها فرمان کشتار، اعدام و سرکوب صادر کردند. در میانه‌ی دود و خون، یک حقیقت سیاسی برجسته‌تر از همیشه خود را نشان می‌دهد: جمهوری اسلامی مسبب اصلی این وضعیت است؛ رژیمی که برای بقای خود، جامعه را به گروگان گرفته و کشور را به میدان تقابل‌های مرگبار تبدیل کرده است.

امروز برخی تلاش می‌کنند پرچم «محور مقاومت» را بالا نگه دارند و همه چیز را به تقابل صرف با آمریکا و اسرائیل تقلیل دهند. این نگاه، عاقلانه یا ناآگاهانه، چشم بر واقعیتی می‌بندد که مردم سال‌ها با گوشت

اساس سوسیالیسم انسان است!

دو رویکرد ضد جنگ، دو افق سیاسی



ناصر اصغری

در بحبوحه جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی، ناگهان صداهای "نه به جنگ" از هر گوشه ای بلند شده است. از لیبرال های نگران ثبات منطقه گرفته تا چپ های سنتی ضد امپریالیست، همه یک شبه صلح طلب شده اند. اگر ترامپ و نتانیاهو و سران جمهوری اسلامی را فاکتور بگیریم، واقعا چه کسی خواهان جنگ است. لازم به تعقل زیادی نیست که هر انسان عاقلی بداند جنگ ویرانگر است. جنگ فاجعه بار است. جنگ خوب وجود ندارد. افزون بر تلفات انسانی گسترده، جنگ جراحات روانی و فیزیکی غیرقابل جبرانی برجای می گذارد و نسل ها را با آثار آن درگیر می کند. اینها بدیهی است. اما مساله اصلی این نیست که جنگ بد است یا خوب. مساله این است که در متن یک جنگ تحمیل شده، چه سیاستی باید در پیش گرفت و از کدام زاویه باید موضع گرفت.

جمهوری اسلامی با سالها لجاجت ایدئولوژیک و پافشاری بر سیاستهای جنگ طلبانه منطقه ای، و با ادامه حمایت سازمان یافته از نیروهای نیابتی، جامعه را در برابر یک جنگ خانه خراب کن دیگر قرار داد. این حکومت از نخستین روزهای قدرت گیری، بحران خارجی را مکمل سرکوب داخلی کرده است. از جنگ ۸ ساله که با شعار "جنگ جنگ" ادامه یافت، تا دخالت نظامی در منطقه و سرمایه گذاری سنگین روی ساختارهای شبه نظامی، بقای خود را در فضای امنیتی و نظامی تعریف کرده است. هرگاه جامعه به حرکت درآمده، سایه تهدید خارجی پرننگ تر شده است. گویی جنگ نه یک استثنا، بلکه بخشی از سازوکار حکمرانی این نظام است.

از سوی دیگر آمریکا نه برای رهایی مردم ایران، بلکه برای منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی خود وارد میدان شده است. تجربه عراق و افغانستان هنوز پیش چشم ماست. هر جا که منافع استراتژیک ایجاب کرده، شعار دموکراسی و حقوق بشر به ابزار مشروعیت بخشیدن به مداخله نظامی تبدیل شده است. ترامپ اگر از آزادی مردم ایران سخن می گوید، در چارچوب رقابت قدرتها سخن می گوید، نه در چارچوب همبستگی با مردم. تضاد آمریکا با جمهوری اسلامی تضاد دو دولت است بر سر حوزه نفوذ و موازنه قوا، نه تضاد آزادی با استبداد.

اما در این میان یک واقعیت انکارناپذیر وجود دارد. اکثریت بزرگی، اکثریتی قریب به اتفاق، از مردم ایران خواهان پایان دادن به حکومت سرکوب و تبعیض هستند. خیزشهای سراسری ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ نشان داد که شکاف میان جامعه و حکومت عمیق و ساختاری است. صدها کشته، هزاران بازداشتی و موج گسترده مهاجرت، فقط بخشی از

بهای این تقابل بوده است. در چنین شرایطی طبیعی است که بخشی از مردم از هر ضربه ای که ماشین سرکوب را تضعیف کند احساس رضایت کنند. این رضایت، حمایت از جنگ نیست. این واکنش به تضعیف دشمنی است که سالها زندگی روزمره آنان را به گروگان گرفته است. شادی از حذف یک فرمانده سرکوب، شادی از کم شدن یک تهدید مستقیم است، نه کف زدن برای موشک و بمب. اینجاست که دورویکرد ضد جنگ از هم جدا می شوند.

رویکرد نخست چشم خود را بر ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی نمی بندد. این رویکرد هر حمله ای را که به کشتار غیرنظامیان و تخریب زیرساختهای زندگی مردم بینجامد محکوم می کند. در عین حال تاکید می کند که در دل همین بحران باید برای سرنگونی انقلابی حکومت تلاش کرد. این نگاه نه آتش بیار جنگ است و نه مدافع بازگشت به وضعیت پیش از جنگ. می گوید ما آغازگر جنگ نبوده ایم، اما اگر جنگ شکافی در ساختار قدرت ایجاد کرده است، باید آن را به نفع آزادی و سازماندهی اجتماعی مردم گسترش داد. یک فعال سوسیالیست نمی تواند سیاست خود را حول بازگشت به شرایط پیشاجنگ تنظیم کند، گویی پیش از آن صلح و رفاه برقرار بوده است. پیش از جنگ نیز زندان، فساد، اعدام و سرکوب و فقر ساختاری وجود داشت. بازگشت به قبل، در مورد جمهوری اسلامی یعنی بازگشت به همان چرخه سرکوب و بحران دائمی.

اما رویکرد دوم از یک موضع شرق زده ضدیت کلی با غرب و "امپریالیسم" وارد میدان می شود و در عمل فاصله چندانی با نیروهای اسلامی ندارد. این گرایش سرکوب داخلی را مساله ای فرعی می داند و هر اعتراض اجتماعی را در چارچوب سناریوی دخالت خارجی توضیح می دهد. وقتی در ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ معترضان به خاک و خون کشیده شدند، به جای ایستادن کنار قربانیان، به جستجوی رد پای موساد پرداخت و فردای همان کشتار فراخوان علیه آمریکا و اسرائیل صادر کرد. در این روایت، مردم همیشه سیاهی لشکر نقشه های خارجی هستند و حکومت همواره قربانی توطئه. این طیف خود را ضد جنگ می نامد، اما عملا مهمترین موتور جنگ یعنی بقای جمهوری اسلامی را نادیده می گیرد. گویی اگر موشکی از آسمان نیاید، دیگر گلوله ای از زمین شلیک نخواهد شد. گویی زندان و شکنجه و سرکوب، محصول تحریم و حمله خارجی است و نه ذات یک حکومت سرکوبگر و دیکتاتور. ضد جنگ بودن اگر به معنای نادیده گرفتن منشا اصلی بحران در داخل کشور باشد، به رستی اخلاقی و بی اثر تبدیل می شود. صلح پایدار بدون پایان دادن به حکومتی که بقای خود را در بحران و دشمن سازی می بیند، توهمی بیش نیست.

بنابراین بحث بر سر خوب یا بد بودن جنگ نیست. بحث بر سر این است که در دل یک رویارویی ارتجاعی میان دولت ها، نیرویی که خود را چپ و سوسیالیست می داند در کجا می ایستد. کنار مردمی که می خواهند از شر یک حکومت سرکوبگر خلاص شوند، یا کنار حکومتی که هر اعتراض را به دشمن خارجی حواله می دهد.

دورویکرد ضد جنگ در ظاهر هر دو صلح طلب اند. اما یکی افقش آزادی و انقلاب اجتماعی است و دیگری افقش حفظ موازنه میان دولت ها و در عمل حفظ جمهوری اسلامی. یکی می خواهد جنگ ارتجاعی را به فرصتی برای رهایی بدل کند، دیگری می خواهد عقربه تاریخ را به عقب برگرداند. انتخاب میان این دو، انتخابی صرفا اخلاقی نیست. انتخابی سیاسی و سرنوشت ساز است.

۲ مارس ۲۰۲۶

اساس سوسیالیسم انسان است!

اطلاعیه های حزب در مورد جنگ اخیر

جنگ - اطلاعیه شماره ۲

جنگ و شعاردهی های شبانه علیه حکومت اسلامی

امروز نهم اسفند بدنبال حمله نظامی اسرائیل و آمریکا به بیت خامنه ای و مواضع سپاه پاسداران و نقاط مختلفی از تهران، شماری از سران حکومت به قتل رسیده اند و گزارشهایی از کشته شدن خامنه ای و اژه ای و شماری دیگر از سران حکومت منتشر شده است. با شنیدن این اخبار مردم در خیابان شادی می کنند و رانندگان با بوق زدن شادی خود را از کشته شدن مهره هایی از حکومت و از بین رفتن مراکز انتظامی حکومتی ابراز میکنند. امروز صبح در نقاط مختلف تهران از جمله بازار مولوی مردم وسیعا ابراز شادی کردند. امشب در کرج و نقاطی از تهران از جمله در پوپک مردم با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور پیام خود را برای سرنگونی حکومت جنگ افروز جمهوری اسلامی فریاد زدند. این شعاردهی ها را باید در همه شهرها و همه محلات تکثیر کرد.

یک نگرانی مردم وضعیت هزاران بازداشتی و زندانی در بند است. ادامه بازداشتها یک جنایت آشکار جنگی است و باید تمامی بازداشت شدگان و زندانیان دربند بدون قید و شرط و فوری آزاد شوند. همراه با خانواده ها برای آزادی آنها و بازکردن در زندانها تلاش کنیم.

یک اقدام جنایتکارانه حکومتی قطع اینترنت برای جلوگیری از بازتاب گزارش از اوضاع در سطح جهان و جلوگیری از سازماندهی اعتراض در داخل ایران است. دسترسی به اینترنت در سراسر کشور با اختلالی کم سابقه و فراگیر روبه رو شده است. در بسیاری از نقاط، ارتباطات آنلاین عملاً از دسترس خارج شده است.

جمهوری اسلامی و بحران سازبها و سیاستهای بین المللیش آشکارا اوضاع جامعه را به این شرایط خطرناک کشانده است. نباید گذاشت که در شرایط جنگی شیرازه جامعه از هم بپاشد. مردم متشکل در محلات و در شهرها میتوانند امور را خود در دست گیرند، امر امداد رسانی مردمی را خودشان سازمان دهند. نیروهای سرکوب حکومت را عقب بزنند. و حکومت را از هر طرف مورد تعرض قرار دهند.

هم اکنون مدارس و دانشگاهها و برخی ادارات تعطیل اعلام شده اند. فضای جنگی عملاً چرخ جامعه را از حرکت انداخته است. امروز که حکومت در چنین موقعیت ضعیف و خرد شده ای قرار دارد بهترین فرصت برای زیر فشار گذاشتن حکومت است.

جمهوری اسلامی از به میدان آمدن قدرتمند مردم برای به زیر کشیدن بساط نکبت بارش وحشت دارد. یک اقدام جنایتکارانه این حکومت آدمکش برای اینکه در خاموشی دیجیتال باز هم جنایت کند و سدی در مقابل سازمانیابی اعتراضات مردم و بازتاب اخبار واقعی ایران در سطح جهان ایجاد کند اینترنت را قطع کرده است. به هر شکلی که میتوانیم از طریق شبکه های اعتراضی خود در شهرهای مختلف و ارتباطاتی که با ایرانیان خارج از کشور برقرار میشود وسیعا اطلاع رسانی کنیم.

تا جمهوری اسلامی این ویرانگران انسانیت بر سر کارند جنگ و ناامنی و فقر و گرسنگی پایانی نخواهد داشت. تنها راه پایان دادن به این جهنم سرنگونی این حکومت آدمخوار جنایتکار است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ اسفند ۱۴۰۴، ۲۸ فوریه ۲۰۲۶

جنگ - اطلاعیه شماره ۳

مرگ خامنه ای جلاد و شادی مردم

گزارشات از کشته شدن خامنه ای جلاد خبر میدهند. با شنیدن این خبر در شهرهای مختلف از جمله در محلات مختلفی از تهران، کرج، دهگلان، اصفهان، ممسنی، شیراز و شهرهای دیگری چون گرم دره در شهرستان مهر استان فارس، فولاد شهر اصفهان، قائمشهر، آبدانان، ملارد مردم وسیعا به خیابان آمده رقص و شادمانی میکنند و فریاد مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی بر فضای شهرها طنین انداخته است. مردم در این کشور در جنگ ویژه خود با این حکومت آدمکش و کشتارگر زخم های عمیقی خورده اند و نابودی خامنه ای یک مانع و یک جنایتکار خونخوار را از سر راه آنها برای خلاصی از شر این حکومت ضد انسانی برداشت. شادی مردمی که هنوز زخم دیمه خونین را بر تن خود احساس میکنند، کاملاً قابل فهم است.

در کرج در مناطقی چون پردیس، بعثت، و دیگر خیابانها مردم با جشن و شادی شعارهای ضد حکومتی سر میدهند. در آبدانان این کانون داغ اعتراضات دیمه مردم به خیابان آمده و دست به شعاردهی زدند. طبق گزارش سرکوبگران جنایتکار رژیم با ماشینهای بزرگ به خیابان آمده و با شلیک گلوله ساچمه ای به طرف مردم سعی در پراکندن جمعیت میکنند.

بر اساس گزارشات تاکنونی شمار دیگری از سران سرکوبگر و جنایتکار حکومت در جریان حمله نظامی آمریکا و اسرائیل کشته شده اند که اسامی شماری از آنها عبارتند از: محمد پاکپور: فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران، علی شمخانی: مشاور ارشد امنیتی رهبر جمهوری اسلامی، محمد شیرازی: رئیس دفتر نظامی رهبر جمهوری اسلامی، عزیز نصیرزاده: وزیر دفاع، صلاح اسدی: رئیس اطلاعات قرارگاه خاتم الانبیا، رضا مظفری نیا: معاون سابق وزیر دفاع و رئیس سازمان پدافند غیرعامل (SPND)، حسین جبل عاملی: معاون فعلی وزیر دفاع و رئیس سازمان پدافند غیرعامل.

این خبرها مردم دادخواه و زخم خورده کشور را که در دیمه دهها هزار تن از عزیزان آنها در نسل کشی جنایتکارانه حکومت جان باختند، را شاد و مصمم تر کرده است. جشن و شادی مردم از مرگ خامنه ای و سران حکومت و فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی در خیابانها عزم مردم را برای ادامه انقلاب و مبارزه برای سرنگونی حکومت خونخوار خامنه ای بازتاب میدهند. نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ اسفند ۱۴۰۴، ۲۸ فوریه ۲۰۲۶

زنده باد سوسیالیسم!

تروریست‌های اسلامی ینار محمد را در بغداد ترور کردند



با کمال تأسف امروز ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ ینار محمد چهره فعال و سرشناس حقوق زن، چهره فعال علیه اسلام سیاسی و کمونیست محبوب را در بغداد و در منزل شخصی‌اش ترور کردند.

ینار محمد بدلیل دهها سال فعالیت خستگی‌ناپذیر در مقابل جریان‌ات اسلامی، بدلیل تلاش پیگیرانه در دفاع از حقوق زنان، علیه قتل‌های ناموسی، به چهره‌ای بین‌المللی تبدیل شد و مفتخر به دریافت چندین جایزه بین‌المللی شد. او برای دوره‌ای در کانادا زندگی کرد و از موسسین سازمان دفاع از حقوق زن در این کشور بود. سپس برای ادامه فعالیت‌هایش به عراق رفت و علیرغم تهدیدات دائم جریان‌ات اسلامی شجاعانه به فعالیت‌هایش ادامه داد. از جمله فعالیت‌های درخشان او تاسیس سازمان آزادی زن و ایجاد شبکه‌ای از خانه‌های امن برای زنان بود و صدها زن را از خشونت و تهدیدات ناموسی نجات داد.

جنبش کثیف اسلامی او را خار چشم خود می‌دید و نهایتاً موفق شد او را به قتل برساند.

با سرنگونی جمهوری اسلامی، جریان‌ات تروریست و مرتجع اسلامی در عراق و سایر کشورهای منطقه نیز به سرعت افول خواهند کرد و مردم ایران و منطقه نفس راحتی خواهند کشید.

حزب کمونیست کارگری صمیمانه به خانواده ینار عزیز، بستگان و دوستانش، رفقاییش در جریان «بدیل کمونیستی» به همکارانش و به همه مردم آزاده عراق و ایران تسلیت می‌گوید. حزب ترور این فعال شجاع و آزاده و چهره تاثیرگذار سیاسی در عراق را شدیداً محکوم می‌کند. یاد ینار عزیز در قلب میلیون‌ها انسان مشتاق آزادی و رهایی زن برای همیشه باقی خواهد ماند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اسفند ۱۴۰۴، ۲ مارس ۲۰۲۶

هر نوع بمباران و آسیب رسانی به بیمارستان‌ها و مردم بی‌دفاع را قاطعانه محکوم می‌کنیم!

جنگ - اطلاعیه شماره ۵

خبرها حاکی از آن است که بیمارستان‌های گاندی و خاتم‌الانبیاء بدلیل حملات موشکی به مراکز اطراف آن آسیب دیده و گفته می‌شود برخی بیماران مجروح شده‌اند. جزییات خبر بدلیل قطع اینترنت روشن نیست. گفته می‌شود که خساراتی نیز به بیمارستان‌های مطهری در تهران، ابوذر در اهواز، سه پایگاه اورژانس در سراب، چابهار و همدان رسیده است.

در اولین روز جنگ در ۹ اسفند نیز در مدرسه شجره طیبه در میناب بدلیل اصابت یک موشک حدود ۱۵۰ کودک خردسال بیگانه به قتل رسیدند و نزدیک به ۱۰۰ نفر از آنان مجروح شدند. حزب کمونیست کارگری این جنایت آشکار را قاطعانه محکوم می‌کند.

لاقیدی و بی‌مسئولیتی جمهوری اسلامی در ایجاد پایگاه‌ها و مراکز نظامی در محلات مسکونی و یا در مجاورت بیمارستان‌ها و مدارس خود زمینه‌ساز چنین فجایی است. از مدتها قبل روشن بود که با پافشاری جمهوری اسلامی بر پروژه‌ها و سیاست‌های تروریستی‌اش احتمال جنگ بالا است، با اینحال حکومت کوچکترین اقدامی برای انتقال مراکز نظامی‌اش به بیرون شهرها و دور از محل زندگی مردم انجام نداد و اکنون بیماران و کودکان بیگانه قربانی جنگ می‌شوند. اما این امر باعث کوچکترین توجیه و تخفیفی در محکومیت بمباران و آسیب رسانی اسرائیل و آمریکا به مراکز غیر نظامی نمیشود. بمباران سیهی و یا عامدانه، مستقیم و یا غیر مستقیم بیمارستان‌ها و مدارس و مردم بی‌دفاع در هر شرایطی و به هر دلیلی باید محکوم شود.

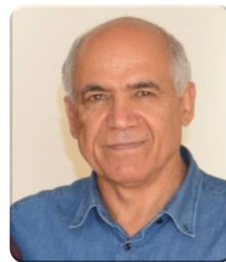
حزب کمونیست کارگری بمباران مراکز غیر نظامی و مردم بی‌دفاع بویژه در مدارس و مراکز درمانی را جنایت جنگی علیه مردم بی‌دفاع می‌داند و آنرا شدیداً محکوم می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اسفند ۱۴۰۴، ۲ مارس ۲۰۲۶

مرگ بر جمهوری اسلامی!

رضا پهلوی از تهدید تا مجیز گویی کردها



اصغر کریمی

درست یک هفته قبل رضا پهلوی در عکس العمل به چند سازمان و حزب کردستانی با ادبیاتی شبیه جمهوری اسلامی آنها را مورد تهدید قرار داد: «چند گروه تجزیه طلب ادعاهایی موهوم و سخیف را درباره تمامیت ارضی و یگانگی ملی ایران مطرح کرده اند. ... تمامیت ارضی ایران خط قرمز ملت بزرگ و متحد ماست. هر فرد یا گروهی که از این خط قرمز عبور کند، یا با عبورکنندگان از آن همکاری کند، با پاسخ قاطع ملت آگاه ایران روبه رو خواهد شد. «او وعده داد که «ارتش ایران» را روانه کردستان خواهد کرد. فقط یادش رفته بود اضافه کند «همان ارتشی که سه هفته پس از سرنگونی حکومت شاه روانه کردستان شد و مردم را با انگ تجزیه طلبی به خاک و خون کشید.»

پس از آنکه با موجی از اعتراض مواجه شد و متوجه شد که هوا پس است، و در عین حال متوجه شد که این احزاب و سازمانها مورد حمایت ترامپ و دولت اسرائیل هستند، روز گذشته در پیامی متفاوت به مجیزگویی از مردم کردستان و ایلام و مناطق مرزی دیگر برخاست و گفت شما در طول ۴۷ سال گذشته حاضر به تسلیم در مقابل جمهوری اسلامی نشده اید. در مورد تجزیه نیز حرفش را عوض کرد و جرات نکرد از احزاب و سازمانهایی که در پیام قبلی آنها را تهدید کرده بود اسم ببرد. او از نیروهایی اسم برد که چشم طمع به خاک ایران دارند. چنان دو پهلوی که معلوم نیست دولت ها را می گوید یا احزاب و سازمانهایی که قبلا گفته بود. بنابراین معلوم نیست «ارتش ایران» را سراغ کی قرار است بفرستد!

اما خارج از این عقب نشینی سوال اصلی این است که شما کی هستی که «بر سر یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران نه با کسی مذاکره می کنی و نه ذره ای از آن کوتاه می آیی. «با شعار مرگ بر چپ و مجاهد، با لنینیسم، با حمله به تجمعات دیگران، با چاقوکشی و حتی کثافت کاری بر سر قبر نویسندگانی که انتقادی به حکومت قبلی داشته، با دیکتاتوربازی، با این درجه عقب ماندگی فرهنگی و فحاشی مشاوران و چهرههایی که قرار است به زن و مادرها و دخترهای منتقدین تجاوز کنند، با شاهبازی و دیکتاتوربازی در حالی که هنوز به قدرت نرسیده ای، با تهدید به ترور مخالفین قبل از قدرت و اعدام مخالفین بعد از قدرت، با دشمنی با مردم کردستان، با دشمنی مفرط با زن زندگی آزادی و دشمنی با هر چه نهاد و تشکل مبارزاتی که توسط فعالین و با دادن هزینه های زیاد در ایران شکل گرفته، با موقعیت ارثی و ژنتیکی، با دفاع از سپاه و اسلام، با دفترچه اضطراب و حکومت نظامی علیه مردم پس از سرنگونی جمهوری اسلامی و با همه «شاهکار» های از جنس خلخالی و با تاکتیک های احمقانه و اتکاء صرف به چند رسانه ایدئولوژیک و دست راستی نمی توان سر کار آمد. خیالتان راحت باشد. جامعه ایران و سنت های مبارزاتی عمیق و رادیکال آنرا دست کم گرفته اید.

۴ مارس ۲۰۲۶ (۱۳ اسفند ۱۴۰۴)

کمپین مالی حزب (۱۶ فوریه - ۱۶ مارس ۲۰۲۶)

ایران یکی از سرنوشت ساز ترین لحظات تاریخ معاصر خود را سپری می کند. این روزهایی است که مردم ایران با انقلاب خود سرانجام جمهوری اسلامی را به موزه تاریخ خواهند سپرد و مرحله ای نوین را در زندگی اجتماعی رقم خواهند زد. حزب ما در تمام سال های طولانی مبارزه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی همراه و همگام مردم، پرچمدار آزادی، برابری، رفاه، حرمت و کرامت انسان بوده و نیازی به تاکید نیست که اکنون، با توجه به شرایط حساس حاضر، تقویت و ارتقاء این فعالیت، و تلویزیون کانال جدید، ابزار سازماندهی مردم آزاده و سرنگونی طلب، اهمیتی دو چندان می یابد. اما این تلاش و فعالیت بدون کمک ها و حمایت مالی شما مردم شریف و آزاده ممکن نبوده و نخواهد بود. اکنون نیز برای تامین مالی مداوم و گسترش فعالیت خود دست یاری به سوی شما دراز می کنیم.

ما منبع تامین مالی جز فعالیت و سخت کوشی اعضا و دوستان حزب و حمایت شما مردم نداریم. دست یاری به سوی همه مردم شریف و آزاده، کلیه فعالینی که در داخل و خارج کشور به امر متحد و متشکل کردن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی مشغولند، کلیه مردمی که با حزب کمونیست کارگری و فعالیت ها و سیاست های آشنا پی دارند و آنرا نیروی موثر و مثبتی در امر رهایی می شناسند دراز می کنیم تا در کنار هم و با قدرتی بیشتر این مبارزه را به سرانجام برسانیم.

امیدواریم بتوانیم طی یک ماه از ۱۶ فوریه تا ۱۶ مارس (۲۸ بهمن تا ۲۸ اسفند) حداقل مبلغ ۱۵۰ هزار دلار جمع آوری کنیم و از آن فراتر رویم. طبق معمول این کمپین علنی است و آمار و ارقام آن بطور هفتگی برای اطلاع عموم منتشر خواهد شد.

لیست شماره ۳

در پاسخ به فراخوان حزب در سه هفته اول معادل ۷۶۷۵۰ دلار آمریکا جمع آوری شد. از تمام عزیزانی که تا این لحظه به این کمپین کمک کرده اند صمیمانه قدردانی میکنیم.

سپروس ایرانی ۵۰ دلار کانادا
آرمان آزاد ۳۰۰ دلار کانادا
داود - ایتالیا ۲۰۰ دلار کانادا
امیر زاهدی ۱۰۰ دلار کانادا
تهمینه صادقی و ابراهیم لشکری ۲۰۰۰ دلار کانادا
حسین احمدی نیا ۱۰۰ دلار کانادا
ناصر اصغری ۱۰۰ دلار کانادا
علی و ۳۰۰ دلار کانادا
عزیز بختیاری ۵۰ دلار کانادا
امیر فریدونی ۵۰ دلار کانادا
مهدی نقاش ۵۰ دلار کانادا
دوست سیما از استکهلم ۳۰۰ کرون
نادر بلوچ ۱۰۰ دلار کانادا
هژار علیپور ۱۰۰ دلار کانادا
مادون ستاره بهرام ۳۰۰ دلار آمریکا
فریبا و سعید ۱۰۰ دلار کانادا
مسعود ناظری ۱۰۰ دلار کانادا
ناراکریمی از تورنتو ۵۰ دلار کانادا
نگار اصلانی ۱۰۰ دلار کانادا
علی حسن ۲۵۰ دلار کانادا
مهران ۱۵۰ پوند
محمدعلی بلوچ ۱۰۰ دلار کانادا

ادامه از صفحه ۱۲

لادن بازگان ۱۳۰ دلار کانادا
صبا ۵۰ دلار کانادا
عباس ایغ ۲۰۰ دلار آمریکا
سمیر نوری ۵۰۰ دلار کانادا
خهبات مجید ۲۰۰ دلار کانادا
بهار میلانی ۲۰۰ پوند
یک دوست از انگلیس ۵۰۰ پوند
کایسا ۲۷۰۰ کرون
نادلی صادقی ۱۰۰۰ دلار آمریکا
هوشنگ و محبوبه ۱۰۰۰ کرون
مینا ۲۰۰ کرون
شایسته طاهرخانی ۱۰۰ یورو
ایوب حسینی ۶۰ یورو
پدرام رضا زاده ۳۶۰ یورو
صباح در زمان ۳۶۰ یورو
چیا صلواتی ۵۰ یورو
حمید برمن ۱۰۰ یورو
حیدر گوبلی ۱۰۰ یورو
شهلا خباززاده ۵۰ یورو
شاهرخ نقدی ۱۰۰ یورو
محمود نجفی ۱۰۰ یورو
پویا دولت باری ۱۰۰ یورو
کیان آزادی ۵۰ یورو
تسلیم المان ۲۰ یورو
سارا اوردیخانی ۲۰ یورو
شنو مفاخری ۵۰ یورو
نسرين صفری ۶۰ یورو
مهسا از آلمان ۵۰ یورو
فواد خدیور ۲۰۰ یورو
رزگار از آلمان ۵۰ یورو
آکو کریمی ۵۰ یورو
پرویز یوسف ۵۰ یورو
بهزاد ساکت ۵۰ یورو
خسرو غلامی ۲۰ یورو
طه آزادی ۱۰۰ یورو
پریسا پوینده ۲۰۰ یورو
اژدر مارالی ۱۵۰ یورو
علی فارس سوئد ۱۰۰ یورو
جمال گلحسینی ۲۰ یورو
مریم افلاکی ۲۰ یورو
آوا زمانی ۲۰ یورو
رضا شرکانلو ۳۰۰۰ کرون
توفیق فرجی ۲۰۰ کرون
فردوس ۵۰ یورو
دوست سیما (۲) از استکهلم ۳۰۰ کرون
امیر عمرانی ۳۰۰۰ کرون
هادی موسوی ۱۰۰۰ کرون
افشین از نروژ ۱۸۰ یورو
سینا پدرام ۷۷۳۰ پوند
رامی ۷۵۰ یورو
لارا - دیون ۳۰۰۰ پوند
بهرام سروش (دفعه دوم) ۱۰۰۰ پوند
یک دوست از انگلیس ۲۰۰ پوند
آلی ۱۰۰ یورو
رافائل و پترا ۱۰۰ یورو
سپیده عقیلی ۱۰۰۰ کرون
نینا افتخار ۵۰۰ کرون

شهین عبدی ۲۰۰ کرون
رزگار روشن ۱۰۰۰ کرون
هیوا سنه ۵۰ دلار آمریکا
دوستدار حزب از تورنتو ۵۰ دلار کانادا
وکیل پناهندگان ۲۴ هزار کرون
اندیشه علیشاهی ۱۰۰ کرون
نیک جوادیان ۵۰۰ کرون
فرشید نجم آبادی ۷۰ کرون
آناهیتا مهدیان ۵۰۰ کرون
Hans Erik Berglund ۱۰۰ کرون
صابر نوری ۱۰۰۰ کرون
فرهاد ف ۱۰۰ یورو

جمع لیست سوم ۳۲۸۰۰ دلار آمریکا
جمع کمک تا کنونی ۷۶۷۵۰ دلار آمریکا
برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق شماره حساب‌های زیر و
یا از طریق تماس با تشکیلات‌های حزب اقدام نمایید:
شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:
سوئد:

Sweden
NordeaPlusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

کمک خود را همچنین می‌توانید از طریق پی‌پل پرداخت کنید:

یورو (paypal.com) Donate

دلار (paypal.com) Donate

سوالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج: سیامک بهاری 0046739868051

از آمریکای شمالی: بابک یزدی 0014164717138

تماس از ایران: شهلا دانشفر: 0044743556246

برای کمک از طریق پی‌پل می‌توانید از QR Code هم استفاده کنید:



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدیر: سیاوش آذری

ادیتور: کاظم نیک خواه

مسئول فنی: بابک یزدی



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور

دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس

بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL JADID
کانال جدید